

دریافت می‌کند، باید برای هزینه اجرای طرح در نظر بگیرد به علاوه در قانون اساسی کشور آمده که هیچ‌کس را نمی‌توان برخلاف میلش به انجام کاری مجبور کرد. اجرای طرح مذکور به این معنا است که فروشنده نهایی که دریافت‌کننده مالیات است، به نوعی مأمور مالیاتی دولت خواهد بود و این برخلاف خواسته افراد است. حال آن که اگر همه سازمان‌ها و افراد به درستی به وظایف خود عمل می‌کردند، نیازی به اتخاذ شیوه‌های اینچنینی نبود.

### خدا به داد اجرا برسد!

در بیشتر مواقع، عیوب یک طرح در مرحله اجرا خودنمایی می‌کند و فکر و تئوری ممکن است خالی از عیب باشند؛ هرچند در این میان می‌توان با مطالعه و بررسی دقیق به پیش‌بینی‌های نسبتاً درستی رسید. یکی از موارد مهمی که در این زمینه باید به آن اشاره کرد، بحث نحوه نظارت بر اجرای صحیح طرح‌های دولت در سطح جامعه است. به عنوان مثال برای کالاهای مصرفی روزانه مردم، این که تا چه حد، درصد سهم یارانه از قیمت آن کالا درست محاسبه شده باشد و آیا به همان میزان و با سازوکار معین، این مبلغ از محاسبات کسر خواهد شد، موضوع مهمی است. این که از همین الان گروهی از فروشندگان روند فزاینده افزایش قیمت‌ها را آغاز کرده‌اند، نیازمند افزایش بُعد نظارتی دولت برای جلوگیری از عواقب اجرای طرح است.

در نهایت باید به این نکته اشاره کرد که فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی در سطح عموم جامعه در کنار اجرای دقیق و با نظارت طرح‌هایی که برای سلامت جامعه مفید هستند، به‌علاوه استفاده از ظرفیت‌های کارشناسی در اجرای امور در شرایط اقتصادی خطیر کنونی جامعه ضروری و انکارناپذیر است. ■

با این فرهنگ و احساس است که هر کسی وظیفه خود را در قبال کشور خود می‌داند و بهترین ابزار ممکن را جهت اصلاح وضع موجود جامعه در اختیار می‌گیرد. در این صورت است که همه افراد به دنبال توسعه و آبادانی کشور خواهند رفت و به سادگی در پروسه رشد کشور مشارکت فعال خواهند کرد.

در حال حاضر، بنزین مصرفی اروپا برعکس ایران با هزینه‌های گزافی به دست می‌آید و با قیمت بالایی هم به فروش می‌رسد. بخش عمده‌ای از یارانه پرداختی کشور که بالغ بر ۹۵ درصد کل یارانه‌ها را شامل می‌شود، به حامل‌های انرژی اختصاص دارد. بحث اسراف و هدروری انرژی در کشور ما جدی است و متأسفانه مردم نسبت به این مقوله کاملاً بی‌تفاوت شده‌اند. ارزانی و دسترسی آسان به این منابع، علت اصلی هدررفت انرژی و تحمیل هزینه‌های فراوان به کشور است. این امر در صورتی که همگان به همان اصل مسؤلیت‌پذیری در قبال کشور بازگردند، مسیری صعب نخواهد بود. اینها بخشی از مباحثی است که باید در بحث هلفمندی یارانه‌ها مدنظر داشته باشیم.

طرح هلفمندی یارانه‌ها برنامه‌ای خوب و منطقی است، به شرطی که تماماً مراقب باشیم که به بیراهه نرود، چراکه به دنبال اجرای مناسب این طرح می‌توان بسیاری از مسایل حال و آینده کشور را سامان داد.

در این بین مسایلی مطرح است که اشاره به برخی از آنان خالی از لطف نیست. دولت در سال‌های اخیر اجرای فعالیت‌هایی را بر عهده گرفته که بیشتر نشان از خامی طرح‌ها و مراحل اجرایی آنها دارد. یکی از این موارد، اجرای طرح مالیات بر ارزش افزوده است. اجرای چنین طرحی نیازمند بررسی و برنامه‌ریزی دقیق‌تر و شرایط مناسب‌تری بود که به آنها توجه کافی نشد. دولت برای اجرای این طرح، بیش از مبلغی که به عنوان مالیات بر ارزش افزوده

## سرمايه‌گذاري مستقيم خارجي در ايران

# مزیت‌ها قربانی ریسک‌های سیاسی

## مسایل سیاسی، محیط کشور را از بُعد ریسک سرمایه‌گذاری تاریک نشان می‌دهد، اما مزیت‌های اقتصادی موجود و سوسه‌انگیز هستند.

کشور ما به علت وجود منابع و ذخایر چشمگیر زیرزمینی، شرایط مساعد جغرافیایی و تنوع آب‌وهوایی، نیروی انسانی جوان و مولد و همچنین بازار تولید و مصرف گسترده از پتانسیل ویژه‌ای برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی (FDI) برخوردار است، ولی متأسفانه علیرغم قدمت قابل توجه ورود این‌گونه سرمایه‌ها به کشور، در مقایسه با برخی از کشورها که در دهه‌های اخیر زمینه‌های ورود سرمایه‌های خارجی را در کشورشان ایجاد کرده‌اند، همواره با توجه به مزیت‌های مذکور در سطحی بسیار نازل بوده‌ایم. دسترسی به آب‌های آزاد خلیج فارس و دسترسی به منابع نفت و گاز ارزان از لحاظ قیمت تمام‌شده، یکی دیگر از جاذبه‌های سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران بوده که توجه بیشتری را از سوی مسؤولان امر می‌طلبد. از آنجا که در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی لازم است سرمایه‌گذار خارجی در ایران حضور فیزیکی داشته باشد و با کنترل مستقیم واحد مورد سرمایه‌گذاری، مسؤلیت مالی و در واقع سود و زیان آن را به عهده گیرد، لذا از اقدامات ابتدایی جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور، فراهم آوردن زمینه‌های این حضور می‌باشد.

گزارشات منتشره از سوی آنکتاب، به روشنی فاصله میان پتانسیل‌های موجود در ایران در زمینه جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و عملکرد کشور را در سال‌های اخیر نشان می‌دهد.

در این گزارش، کشور ما در میان ۱۴۱ کشور مورد بررسی در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ از لحاظ شاخص پتانسیل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ترتیب در جایگاه ۶۱ و ۶۰ قرار گرفته، در حالی که براساس شاخص عملکرد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در



هر دو سال مذکور رتبه ۱۳۳ را کسب کرده‌ایم. در زمینه حجم ورودی و خروجی سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران، همواره آمارهای متفاوتی از سوی مراکز آماری داخلی و خارجی ارائه شده که از موارد وجود تفاوت مذکور می‌توان به این مورد اشاره کرد که در ایران به محض حضور یک شرکت خارجی که قصد انجام سرمایه‌گذاری را دارد، بدون توجه به عملیاتی شدن طرح این سرمایه‌گذاری و در واقع تنها با مطالعاتی شدن آن، این سرمایه‌گذاری تحت عنوان ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی به کشور ثبت می‌شود. گزارشات منتشره از سوی آنکتاب هم در هر سال نسبت به سال قبل مورد اصلاح قرار می‌گیرد و تغییر می‌کند، لذا بررسی روند تغییر سرمایه‌گذاری‌های خارجی در سال‌های مختلف مناسب‌تر است.

به هر حال، طبق جدیدترین گزارش آنکتاب که در سال جاری منتشر شد، ارقام ۱/۶۵۸ و ۱/۴۹۲ میلیارد دلار به ترتیب برای سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ در مورد سرمایه‌گذاری‌های خارجی ورودی به ایران ثبت شده است.

با توجه به ضعف کشور در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، چشم‌انداز روشنی پیش‌روی اقتصاد ایران نیست. یکی از موضوعاتی که باعث نگرانی کارشناسان شده، فرسودگی ماشین‌آلات و تجهیزات صنعت نفت - به عنوان شاه‌رگ حیات اقتصادی کشور - است که متأسفانه به میزان کافی جهت بازسازی و ارتقای این صنعت در کشور

سرمایه‌گذاران خارجی، تسریع فرآیند درخواست سرمایه‌گذاری، آزادسازی بیشتر سازوکار ارزی و تشکیل سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران به منظور حمایت مؤثر از سرمایه‌گذاران خارجی در ایران اشاره کرد. همچنین از دیگر فعالیت‌های سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، تهیه آمارهای سالانه در خصوص حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور است. در این راستا طبق گزارش این سازمان، حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی مصوب تحت پوشش قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، ایران در سال‌های ۸۶ و ۸۷ به ترتیب موفق به جذب ۱۲ میلیارد و ۹۰ میلیون دلار و ۸۲۲ میلیون دلار سرمایه خارجی شده‌اند.

### راه‌های کهنه و نو

در همین راستا، اجرای درست برخی سیاست‌ها نظیر اصلاح سیاست‌های بازرگانی، خصوصی‌سازی واقعی، ثبات نرخ ارز، اصلاح قانون کار و همچنین مالیات، کاهش تعدد مراکز تصمیم‌گیری، حذف فساد اداری، تفکیک مسایل سیاسی از اقتصاد و تشویق و اعطای امتیازاتی همچون معافیت‌های مالیاتی، پوشش‌های بیمه‌ای، معافیت‌های گمرکی و پرداخت یارانه، می‌تواند باعث افزایش ورود سرمایه‌های خارجی به کشور شود که خوشبختانه در برخی زمینه‌های مذکور، اقدامات مطلوبی از سوی مسئولان اتخاذ شده که از آن جمله می‌توان به تصویب قانون جدید مالیاتی برای سرمایه‌گذاران خارجی اشاره کرد که باعث رفع بسیاری از ابهامات و مشکلات در این زمینه شده است. ■

سرمایه‌گذاری نمی‌شود. راهکارهایی هم که همواره از سوی کارشناسان مطرح می‌شوند، جذب حجم گسترده سرمایه‌گذاری‌های خارجی را در این بخش گوشزد می‌کنند که متأسفانه علیرغم تأکید بر این موضوع در اهداف سند چشم‌انداز، هنوز ارقام ورودی سرمایه‌های خارجی بسیار ناچیز است. طبق آمارهای جهانی، کشور ما در طول سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ تنها توانسته حدود ۰/۳ درصد از جریان ورودی سرمایه‌گذاری‌های خارجی را در آسیا به خود اختصاص دهد که این آمار مؤید مطالب مذکور خواهد بود. از سوی دیگر تا زمانی که به خاطر شرایط خاص اقتصادی و سیاسی، سرمایه‌گذاری داخلی صورت نگیرد، چطور می‌توان انتظار ورود حجم قابل توجهی از سرمایه‌های خارجی را داشت. ضعف نظام بانکی، ناکارآمدی بازار سرمایه و همچنین ریسک سیاسی بالای کشور از دیگر عوامل بازدارنده ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی به ایران هستند که جهت دستیابی به اهداف تعریف‌شده در سند ۲۰ ساله، باید از سوی کارشناسان و مسئولان امر مورد ارزیابی و در واقع تجدیدنظر قرار گیرند.

مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران، شامل قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری‌های خارجی و آیین‌نامه اجرایی آن و همچنین قوانین ناظر بر راه‌اندازی و اداره فعالیت‌های اقتصادی در کشور هستند. به علاوه قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۳۸۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و جایگزین قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی - که از سال ۱۳۳۴ در کشور اجرا می‌شد - گردید. از جمله مزایای این قانون می‌توان به گسترش حوزه فعالیت

### عراق و ضرورت اتحاد ملی

## حزب بعث! تولدی دوباره؟

شرایط سیاسی عراق حکایت از آن دارد که امروز اتحاد اعراب، کردها، شیعه‌ها و سنی‌ها بیش از همیشه ضروری است.



بین اعراب سنی و نیروهای آمریکایی، توانستند باعث شوند که آمریکاییان کم‌کم درصدد انتقال بخش‌های کلیدی قدرت عراق به بازماندگان حزب بعث و سنی‌ها شوند. این امر در راستای سیاست‌های کشورهای عربی منطقه نیز بود، چون قدرت گرفتن شیعیان در عراق، زمینه قدرت گرفتن شیعیان در سایر کشورهای عربی را از جمله یمن، عربستان و بحرین در پی خواهد داشت.

### از کرکوک تا آنکارا

در سناریوی جدید در عراق که مقارن با انتخابات آن کشور بود، آمریکایی‌ها، مسأله ایجاد اتحاد بین کردها و اعراب سنی را دنبال کردند تا به این وسیله بتوانند قدرت و حوزه نفوذ شیعیان را در تصمیم‌گیری‌های مهم، محدود و کنترل کنند. اما مشکل مهم بین اعراب سنی و کردها منطقه نفت‌خیز کرکوک است که هنوز وضعیت آن مشخص نشده است و آمریکاییان سعی دارند بدون حل مسأله کرکوک به توافق جامع و کامل بین اعراب سنی و کردها نایل آیند و مسأله کرکوک را در یک وقت مناسب حل کنند. در این خصوص نقش ترکیه نیز حایز اهمیت است. ترکیه با اخذ امتیازات نفتی و اقتصادی از کردها و سنی‌ها در حال کمک به حل این مسأله است. لذا دور از انتظار نیست که تحولات جاری و اختلافاتی که در جبهه شیعیان بین مالکی و سایر گروه‌های شیعه به وقوع پیوسته، مسیر بازگشت حزب بعث را به قدرت - آن هم با یک سناریوی جدید - مهیا کند. ■

جنگ دوم خلیج فارس که نتیجه آن سقوط رژیم بعثی صدام بود، آثار و بازتاب‌های داخلی و خارجی متفاوتی را بر جای گذاشت. در بُعد خارجی، معادلات منطقه‌ای را دگرگون ساخت و منجر به بی‌ثباتی و ناامنی میان حجم زیاد نیروهای خارجی که به بهانه ایجاد امنیت در عراق و منطقه حضور داشتند، شد که نتیجه آن، بمب‌گذاری‌ها و درگیری‌هایی بود که منطقه را دربرگرفت. در بُعد داخلی هم باعث تشدید رقابت‌های قومی، قبیله‌ای و مذهبی شد؛ در صورتی که هدف اشغالگران، ایجاد ثبات و تحول به اصطلاح دموکراتیک در عراق بود. کردها که از سال ۱۹۹۱ در شمال عراق به صورت نسبتاً فدرالی اداره می‌شدند بعد از سال ۲۰۰۱ همچنان به این روش ادامه دادند. شیعیان در جنوب مثل زمان صدام تحت بی‌مهری و فشار قرار گرفتند. اعراب سنی که حایل بین شیعیان و کردها قرار داشتند، معترض به وضعیت حال بودند. جمیع موارد حاکی از این بود که اوضاع سیاسی در عراق آبستن تحولات مهمی خواهد بود.

آمریکاییان که عراق را بخش مهمی از پروژه ایجاد خاورمیانه جدید می‌دانستند، سعی داشتند از اختلافات موجود بین شیعیان، کردها و سنی‌ها در راستای تحکیم حضور خود در عراق استفاده کنند. با توجه به این که جمعیت شیعیان در عراق نسبت به سنی‌ها و کردها بیشتر است، در صورتی که آمریکا بخواهد طبق اصول اعلامی خود، سیاست تقسیم قدرت را در عراق به اجرا درآورد، شیعیان اکثریت قدرت عراق را به دست خواهند گرفت که این مسأله، مورد تأیید آمریکایی‌ها نیست. آمریکایی‌ها بیشتر به دنبال این سیاست بودند که در لوی دموکراسی و آزادی‌های مدنی، حکومت کاملاً قابل کنترل و اطاعت‌پذیری را در عراق تشکیل دهند. سنی‌ها که بعد از فروپاشی رژیم صدام قدرت مطلقه خود را از دست داده بودند و حزب بعث به عنوان نمادی از قدرت اعراب سنی، درهم شکسته بود، سعی کردند به نوعی اعتماد آمریکایی‌ها را به خود جلب کنند، و در همین راستا علیرغم وجود برخی از درگیری‌ها